قرائت به قرائات مخالف مصحف عثمان توسط ابن شنبوذ و مقابله حکومت با او

شاگرد: در فضایی که ابن شنبوذ قرائت میکرده استنکاری نبود؟

استاد: اصلاً خود ابن شنبوذ به شدت از خودش دفاع کرد تا وقتی که زیر تازیانه رفت. خب او هم سنش بالا بود. دیگر توبه نامه را نوشت. یعنی قبلش دفاع میکرد. این را خود علماء سنی میگویند. ذهبی و ابن جزری در شرح حالش میآورند. میگفت این ابن مجاهدی که برای شما تسبیح میکند از بغداد بیرون نرفته تا یک استاد ببیند. من تمام عالم اسلام را بهدنبال استاد بودم. این حرف خودشان است. و جالب است که یک سنی به عنوان یک احتمال ضعیف نگفته «فیه تشیع»، رافضی که هیچ، حتی «فیه تشیع» هم ندارند. یعنی سنی متصلب است. شکی در او ندارند. و الا اگر یک چیزی بود میگفتند فیه تشیع. آنها دو تعبیر دارند؛ یک جا میگویند رافضی و یکی میگویند فیه تشیع یا وه متشیع. این دو تعبیر زند آنها خیلی فرق میکند. در

ابن شنبوذ هیچ احتمال تشیع نیست. چه برسد به رافضی. این جور کسی در بغداد[1] جلو میایستاد و در نماز جماعت می خواند «فلقد نصرکم الله ببدر بسیف علی و انتم اذله». می گفته من این را از استاد و با سند صحیح گرفتهام لذا آن را میخوانم. داد و فریاد میکرد.

ابن مجاهد می دانسته اگر او بماند و بعداً شیعیان قدرت بگیرند دیگر هنگامه میشود. او که سنی است. اما اگر فاطمیون مصر قدرت بگیرند و از این طرف آل بویه از ایران قدرت بگیرند، کار تمام است. کما اینکه بیست سال بعد شیعیان بغداد را گرفتند. همه چیز تحت سیطره شیعه شد. وقتی ابن مجاهد کارش را انجام داد، در سال ۳۵۲ در بغداد اولین سالی بود که عید غدیر و عاشورا تعطیل شد. عید غدیر را جشن گرفتند و عاشورا را ماتم گرفتند. چرا؟ چون آل بویه وارد شدند و بغداد را فتح کردند.

ابن مجاهد چه کار کرد؟ خود در سال ۳۲۴ وفات کرد. قبلش این را نوشت در آن زمان ها که فاطمیین در مصر قدرت گرفته بودند و آل بویه در ایران. سال ۳۵۲ رفتند بغداد را گرفتند. اینها افراد زرنگی بودند؛ از شاگردش ابو طاهر[2] پرسیدند تو شاگرد هر دو استاد بودی –ابن شنبوذ و ابن مجاهد- آنها چه فرقی داشتند؟ گفت ابن مجاهد عقلش بیشتر از علمش بود و ابن شنبوذ علمش بیشتر از عقلش بود. جواب خیلی مناسب اعتبار. ابن شنبوذ اینطور بود. در شرح حال ابن شنبوذ در فدکیه صفحه خیلی مفصلی گذاشتهام. عباراتی که برای او هست را مطالعه کنید و

به دقت مطالعه و دسته‌بندی کنید.

منظورم این است که در زمانی‌که ابن شنبوذ این کار را می‌کرد، کار او روی روال بود. نماز جماعت می‌خواند. علماء فطن آن‌ها که می‌فهمیدند این جریان به چه سمت و سوی می‌رود، دیدند که دیگر الآن نمی‌توانند راه این امر باز بگذارند. و الا او در فضای بزرگ شده بود که این‌ها باز شده بود. بخاری در صحیح خودش این‌ها را می‌آورد. ابن شنبوذ هم از استاد شنیده بود و به راحتی اقراء می‌کرد و می‌خواند. از بزرگترین اساتید و امام در قرائت خود ابن شنبوذ است. هیچ مشکلی هم ندارد. حتی گفتم ابن ندیم می‌گوید «فیه حمق». اما ذهبی چه تجلیلی از آن می‌کند. می‌گوید امام القرائه بود و یک عمر خادم قرآن بود، چرا او را تادیب کردند؟! در قرائت مخالف عثمان حدیثا و قدیما اختلاف هست که یجوز القرائه به ام ال. شاید تعبیری کرامت هم می‌آورد. می‌گوید از نفرین ابن شنبوذ بود که دو دست ابن مقله قطع شد. چون ابن شنبوذ به دستور ابن مقله زیر تازیانه رفت، زیر تازیانه و جلوی همه گفت خدایا دو دست ابن مقله را قطع کن که دستور داد من را به این صورت بزنند. ابن ندیم می‌گوید او دعا کرد و «فاتفق انه قطعت یداه». اما ذهبی می‌گوید «استجاب الله دعاه علی ابن مقلة»؛ خدا مستجاب کرد و دست او قطع شد. منظور اینکه ابن شنبوذ به این صورت است. متأسفانه این‌ها خیلی کار نشده است. من هم که این روایت شریف را گفتم با روایت بعدی فرق دارد. الآن چرا این را ذیل این آیه گفتم؟ چون حدیث اول تصریح به ثبتش در مصحف عبد الله و وجودش در قرائت ابی دارد و مخالف مصحف عثمان است.

من قبلاً عرض کردم علماء بزرگ اهلسنت می‌گویند سبعه احرف یعنی هفت نوع اختلاف –شیخ الطائفه هم در مقدمه تبیان آورده‌اند- هفتمی هم یعنی بالزیاده و النقص. یعنی بزرگترین علماء اهلسنت در طول تاریخ این را قبول دارند که یکی از وجوه اختلاف قرائات کم و زیادی است. یعنی همین «و رهطک منهم المخلصین». در یک نزولش هست و در یک نزولش نیست. برای آن‌ها مشکلی ندارد. خب این مطالب به این مهمی و به این عالیای هست، ما بیاییم روی یک مبنای حرف واحد را طوری معنا کنیم که همه این‌ها تحریف شود! و حال اینکه شواهد روشنی دارد بر اینکه مخالفت با مصحف عثمان از سبعه احرف است؛ بالزیاده و النقص که خود اهل سنت مفصل گفته اند .

---

[1] تاریخ بغداد ت بشار (۲/ ۱۰۳)

۷۲ - محمد بن أحمد بن أيوب بن الصلت أبو الحسن المقرئ المعروف بابن شنبوذ حدث عن أبي مسلم الكجي، وبشر بن موسى، وعن محمد بن الحسين الحبيني، وإسحاق بن إبراهيم الدبري، وعبد الرحمن بن جابر الكلاعي الحمصي، وعن خلق كثير من شيوخ الشام ومصر.روى عنه: أبو بكر بن شاذان، ومحمد بن إسحاق القطيعي، وأبو حفص بن شاهين، وغيرهم.وكان قد تخير لنفسه حروفا من شواذ القراءات تخالف الإجماع، فقرأ بها.صنف أبو بكر ابن الأنباري وغيره كتبا في الرد عليه.أَخْبَرَنِي إبراهيم بن مخلد فيما أذن أن أروية عنه، قَالَ: أخبرنا إسماعيل بن علي الخطبي في كتاب " التاريخ "، قَالَ: اشتهر ببغداد أمر رجل يعرف بابن شنبوذ، يقرئ الناس ويقرأ في المحراب بحروف يخالف فيها المصحف، مما يروى، عن عبد الله بن مسعود، وأبي بن كعب، وغيرهما مما كان يقرأ به قبل جمع المصحف الذي جمعه عثمان بن عفان، ويتبع الشواذ فيقرأ بها، ويجادل، حتى عظم أمره وفحش، وأنكره الناس.فوجه السلطان فقبض عليه يوم السبت لست خلون من ربيع الآخر سنة ثلاث وعشرين وثلاث مائة، وحمل إلى دار الوزير محمد بن علي، يعني: ابن مقلة، وأحضر القضاة والفقهاء والقراء ونظر، يعني: الوزير، بحضرتهم، فأقام على ما ذكر عنه ونصره، واستنزله الوزير عن ذلك فأبى أن ينزل عنه، أو يرجع عما يقرأ به من هذه الشواذ المنكرة التي تزيد على المصحف وتخالفه، فأنكر ذلك جميع من حضر المجلس، وأشاروا بعقوبته ومعاملته بما يضطره إلى الرجوع.فأمر بتجريده وإقامته بين الهنبازين وضربه بالدرة على قفاه، فضرب نحو العشرة ضربا شديدا فلم يصبر، واستغاث وأذعن بالرجوع والتوبة فَخُلِّيَ عنه، وأعيدت عليه

ثيابه، واستتيب، وكتب عليه كتاب بتوبته، وأخذ فيه خطه بالتوبة.

[2]غاية النهاية في طبقات القراء (٢/ ٥٥)

قال أبو الحسن علي بن محمد بن يوسف بن يعقوب بن علي العلاف المقرئ البغدادي سألت أبا طاهر بن أبي هاشم: أي الرجلين أفضل, أبو بكر بن مجاهد أو أبو الحسن بن شنبوذ؟ قال: فقال لي أبو طاهر: أبو بكر بن مجاهد عقله فوق علمه, وأبو الحسن علمه فوق عقله قال: لم يزدني على هذا, قال: وفضل الرجلين فضل عام والله يرضى عنهما وينفعنا بالرواية عنهما

بازبینی #2
ایجاد شده 19 مارس 2024 11:42:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 مه 2024 15:07:38 توسط ... .